

لندهور^۱ شاه

سیامک مهاجری

نمایشنامه‌ی خلاق بوتیمار

زیر نظر مهدی میرباقری



موسسه‌ی انتشارات بوتیمار

۱. به معنی پسر آفتاب، چه لند به معنی پسر و هور آفتاب را گویند و نام پادشاهی بوده عظیم
الشان در هندوستان و اعتقاد بر همتان آن است که چون نیر اعظم به مادر او نظر کرد او حامله
شد و فارسیان به این سبب او را لندهور خوانند - دهخدا

سرشناسه: مهاجری، سیامک، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور: لندهور شاه / سیامک مهاجری .
مشخصات نشر: مشهد: بوتیمار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۶۸ ص. ۱۰/۵ × ۲۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۱۳۳-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: نمایشنامه فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴/۹۱۳۵۸۵/PIR۸۲۲۳
رده بندی دیویی: ۸۷۲/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۶۷۹۴۶

لندهور شاه

نویسنده: سیامک مهاجری

مدیر امور هنر: سیامک مهاجری

ناظر کیفی: حسین انصاری، دانیال یوس عمار

صفحه آرا: آتلیه هنری بوتیمار

ناشر: انتشارات بوتیمار

امور چاپ: قشقای

نویت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۱۳۳-۱

دفتر انتشارات:

مشهد، صندوق پستی ۱۵۵۳-۹۱۳۷۵

تلفن: ۰۵۱۱-۸۴۵۰۶۴۹

تهران، خیابان کارگر شمالی، نرسیده به

بلوار کشاورز، بن بست گیتی، پلاک ۶

تلفن: ۰۶۶۹۰۰۷۴۸

همراه: ۰۹۱۶۷۸۳۱۲۶۸ - ۰۹۱۵۸۵۷۸۳۷۸



موسسه‌ی انتشارات بوتیمار



btmpub@gmail.com



instagram.com/btmpub

هرگونه بازتولید این نمایشنامه به شکل فیلم، نمایش و صدا

منوط به اخذ مجوز مکتوب از نویسنده می‌باشد.

خط الرسم مربوط به نویسنده است

حق چاپ محفوظ است

پیش از قرائت

از آنجایی که ما شناخته، علاوه بر قابلیت اجرایی یک متن ادبی است و بخشی از درست آن خوانده شدنش است و در عین حال به زبان فارسی است ذکر مواردی پیش از خواندن آن از نظر نویسنده ضروری می‌نماید.

جهت سهولت در خواندن متن فارسی به روانی و سادگی به قسمی که آهنگ کلام در گفتار آدم‌ها جاری شود هرگاه در جمله از «و» استفاده شده منظور «واو» است، هر جا که از «و» استفاده شده منظور «او» کوتاه است و هر جا از «رو» استفاده شده، همان شبیه «ر» شکسته و گفتاری «را» است.

واو معدوله که در زبان‌های باستان، سبکی از قرائت بوده به قسمی که امروز امکان تلفظ آن ممکن نیست در این متن حذف شده است. از همین رو در این نوشتار سعی شده جهت سهولت در قرائت، واو معدوله به گونه‌ای نوشته شود که خوانده می‌شود.

همچنین است استفاده از «ی» به جای «ه» جهت روانی در قرائت خط فارسی، به‌طور مثال در این متن «دکمه» را «دکمه‌ی» نوشتیم

جهت پرهیز از کاربرد تنوین در خط فارسی واژه‌هایی چون احتمالاً به صورت احتمالن نوشته شده زیرا در زبان گفتار نیز به همین صورت تلفظ می‌شود ولی اگر نمایشنامه اثری مبتنی بر گفتار نبود شاید «به احتمال» یا «به حتم» بجای حتمن پاکیزه تر نیز به نظر می‌آمد در نمایشنامه هر جا از توضیح صحنه‌ی [سکوت] استفاده شده منظور توقف است به نحوی که در این سکوت بازیگر بازی می‌کند؛ اما آنجا که از [مکث] استفاده شده منظور «درنگ» است. نیم فواصلی است در کلام روزمره همان که در ادبیات کهن به آن «لمحه» یا «دم» می‌گفتند و هر یک مابین گفتارها از سه نقطه استفاده شده درنگی است در کلام فارسی مابین ناچیزی که در زبان گفتار روزمره جاری می‌شود در مابین تفسیر و گفتار که حسی از کلام را نیز در خود مستتر دارد علائم سجا زان و اسرار گذاری و فاصله‌ها و نیم فاصله‌ها در این متن تا آنجایی با وسواس رعایت شده‌اند که قرائت متن را روان تر و به حس کلام آدم‌ها نزدیک تر کند. پس به طور مثال کلمه‌ی «اندازه» را یکپارچه بخانیم و «اندازه‌اش» بخانیم و یا «تیغه‌ش» را «تیغه‌اش» بخانیم که درست و به ظرافت و وسواس خواندن به رسیدن به هارمونی کلام ویژگی شاخص هر ادبیاتی است که ما بدان آئیم!